

## سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران Union of People's Fedaian of Iran

کنگره موضوع پیام هائی را درباره برخی مسائل مهم و یا حساس و جاری جامعه ما تعیین کرد و کمیته مرکزی را موظف نمود تا از جانب کنگره این پیامها را تهیه و منتشر کند. متن این پیامها، در در زیر درج می شود.

“بگذار برخیزد مردم بی لبخند

بگذار برخیزد”

در گرامیداشت یاد جان باختگان قتل عام زندانیان سیاسی تابستان 67

خاوران زنده و ماندنی است

کنگره سیزدهم سازمان ما به احترام همه زنان و مردانی که از بذل جانهای عزیزشان برای تحقق آرمان های انسانی و در راه آزادی، برابری دموکراسی و سوسیالیسم دریغ نکردند، به پا ایستاد و با یک دقیقه سکوت و ادای احترام به آنان کار خود را آغاز کرد. ما در برابر یاد و خاطره ی ” این عاشق ترین فرزندان آفتاب و باد ” وهمچنین ایستادگی و دادخواهی خانواده های داغدار آنان سرتعظیم فرود آوردیم و بار دیگر با یاران به خاک افتاده مان درخاوران ها، ” اوین ها ” و ” لعنت آباد ” های ناشناخته سرزمینمان، بر همراهی و همدلی و پیکار برای آن اهداف و آرمان ها تجدید پیمان کردیم و پای فشردیم.

بیست و هشت سال از روزهای تابستان خونین 67 می گذرد، که در آن تابستان خونین، به دستور خمینی که می خواست ” حکم خدا ” را جاری سازد، کاربدستان جمهوری اسلامی در زندان های سراسر کشور قتل عام (اسیر کشی) به راه انداختند و در کوتاه زمان هزاران تن از زندانیان سیاسی را که از مدتها پیش در بیدادگاه های تفتیش عقاید قرون وسطائی ولایت فقیه محاکمه شده و به زندان های طولانی مدت محکوم گردیده بودند، به شکلی فجیع به قتل رساندند. تا هم اکنون همچنان، همه اسرار و ابعاد و دلایل آن جنایات هولناک و حتی نام و نشان و محل به خاک سپردن آن اسیران در بند روشن نشده است. سران رژیم همچنان براختفا آن اسرار و بردفاع از آن جنایات پای می فشارند.

37 سال پس از استقرار این رژیم در همچنان بر همان پاشنه می چرخد. همچنان اعدام‌ها و سرکوب ادامه دارد. اعدام و کشتارکرد و بلوچ و عرب، سنی و بهائی و درویش، کافر و ملحد و منافق، "باغی" و "یاغی" در بیدادگاه‌های ولایت فقیه پایان نیافته است، جوان کشی و همجنس‌گرا کشی همچنان رونق دارد، و در یک کلام کشتار و حذف انسان دگراندیش، توبه و تواب سازی از دگراندیشان همچنان برپاست .

بی تردید آن چه که از بدو استقرار جمهوری اسلامی در حذف انسان دگراندیش و به ویژه در دهه 60 و بطور خاص، دردناکترین و بزرگترین آن جنایات ، کشتار تابستان 67 رخ داده و تا کنون ادامه یافته است، پدیده استثنائی، اتفاقی و یا حادثه‌ای گذرا در این رژیم نبوده و نیست. بلکه قاعده و ابزاری برای "نجات و رستگاری امت" ، "شیوه زمامداری" ، گسترش تلفیق دین و دولت اسلامی و برای بقای آن است. از سوی دیگر بیان بی حقوقی محض توده‌های مردم است. بیان ضد انسانی بودن "قضا و قانون" در ساختار نظام جمهوری اسلامی و استبداد مذهبی ولایت فقیه است. به عبارت دیگر "قضا و قانون" در جمهوری اسلامی بیش از هر چیز نقش پوشش و آرایش چهره کریه استبداد مذهبی ولایت فقیه را عهده داراست. و علاوه بر همه این ها بیان این است که تنها و تنها با مبارزه با این "قانون و قضا" و علیه این رژیم، رهایی و آزادی و دموکراسی متصور است.

از دیگر سو جنبش دادخواهی و آزادیخواهی و ستم ستیزی مردم، مقاومت و پیکار داغداران آن جنایت هولناک، خانواده‌های شهیدان و زندانیان سیاسی قامت افراخته و استوار و مستقل در افشا جنایات جمهوری اسلامی و دادخواهی برای جان باختگان دهه 60 و به ویژه تابستان 67 به مقابله و مبارزه علیه رژیم برخاسته و توانسته تا مانع از آن شود که جمهوری اسلامی بتواند چنین جنایت گسترده‌ای را به تاریخخانه فراموشی و تحریف بسپارد .

خیزش دادخواهی، در پیوند و درهم آمیختگی با دیگر جنبش‌های اجتماعی و طبقاتی و به عبارت دیگر در پیوند با دوجنبش برای نان و برای آزادی می‌تواند به نیروی برای تحرک و شتاب دادن به جنبش توده‌ای تبدیل شود و پیکار برای سرنگونی جمهوری اسلامی و درهم شکستن دستگاه‌های سرکوب آن گسترش دهد. علاوه بر این زمینه ای رافراهم می آورد که می تواند از بروز بازتولید چنین جنایاتی ممانعت کند .

این روزها با انتشار فایل صوتی آیت الله منتظری در دیدار با "هیات مرگ" در سال 67 به روشنی معلوم می شود که جمهوری اسلامی از مدتها قبل مصمم به کشتار و تصفیه دگراندیشان، مخالفان و به عبارت دیگر خاموش کردن هر صدای مخالفی در نطفه بوده است. هیچ بهانه و توجیهی نمی‌تواند دلیل اصلی این کشتار را لاپوشانی و تحریف کند. از خمینی تا رفسنجانی و خامنه‌ای همگی از دامنه و عمق نارضایتی توده‌های مردم از سیاست‌های جمهوری اسلامی آگاه بوده اند. آنان در هراس از عصیان مردم، چنین ماشین سرکوب و کشتاری را براه انداختند. علاوه بر این حتی برخی کارگزاران رژیم به شکست جمهوری اسلامی و سیاست هایش در تمامی حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، اعتراف دارند. از همین رو بر زمینه‌های بحران‌های عمیقی که جمهوری اسلامی در آن دست و پا می زند، صدای عصیان و شورش توده‌ها روشن‌تر به گوش می رسد.

موضع اصلاح طلبان رژیم در برابر انتشار فایل صوتی آیت الله منتظری و به نعل و به میخ زدن آنان و دفاع از این کشتارها و خواست بازگشت به "دوران طلایی امام"، ضدیت آنان را با آزادی و دموکراسی و نیرنگ و فریب آنان را برای حفظ این میراث ضد انسانی خمینی بیش از پیش آشکار می سازد.

دستگاه سرکوب، شکنجه و کشتار رژیم از کار نخواهد افتاد مگر آن که توده ها بیش از پیش در مبارزات جاری آزادیخواهانه، مدنی و صنفی و سیاسی خود رامتشکل سازند. تا در چنین پیکاری بتوانند طومار این رژیم ضد انسانی را برای همیشه درهم بپچند، و بر ویرانه‌های آن حق حاکمیت مردم، آزادی، دموکراسی، و ایرانی آزاد برپا شود.

سیزدهمین کنگره سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران با دیگر در برابر یاد و نام وعظمت خاطره‌ی شهدای به خون خفته ی مردمان سرزمینمان و در برابر خانواده‌های جانبختگان و بازماندگان آن جنایت سرتعظیم فرود می آورد . ما ضمن همدلی و همدردی با درد و رنج شما عزیزان ، عهد می کنیم و برآنیم که استوارتر از پیش، در پیکار در راه آرمان جانبختگان راه آزادی و دموکراسی گام برداریم .

زنده باد آزادی

سرنگون باد نظام جمهوری اسلامی

کنگره سیزدهم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

اوت 2016 - مرداد ماه 1395

پیام سیزدهمین کنگره سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران به

**همه آزادیخواهان و دگراندیشان دربند**

دوستان دربند!

درودهای گرم ما شرکت کنندگان در سیزدهمین کنگره سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران را بپذیرید.

دست شما آزادگان را که به خاطر اعتراض به مستبدین حاکم و مبارزه برای برقراری آزادی، عدالت اجتماعی زندانی شده اید را به گرمی می فشاریم. با شما اعلام همبستگی می کنیم و خواهان رهایی تان از زندانهای حاکمان مرتجع و مستبد هستیم.

شما تنها نیستید! بیشمار پشتیبان با خود دارید و همراهان بسیاری با شما هستند.

شما فرزندان دربند مردم زحمتکش و شریف ایران اعم از کارگر، روشنفکر، فرهنگ ورز و هنرمند و فعالان سیاسی و مدافع آزادی و حقوق زحمتکشان هستید که نام عام همه شما زندانی سیاسی است که نامی ملی و مایه سرافرازی در ایران امروز است، و حاکمیت ارتجاعی و قرون وسطائی تلاش می کند نام واقعی تان را که همانا زندانی سیاسی است انکار کرده و یا تغییر داده و به محافل جهانی القاء کند که زندانی سیاسی در ایران وجود ندارد تا در نهایت به بوته فراموشی سپرده شوید.

اینک در ایران و خارج از ایران، اعتراضات به زندانی شدن شما موج وار رو به گسترش دارد. امضاء طومارها، ایجاد کمیته های حمایتی برای اعتراض به شرایط غیرانسانی زندانها و با خواست آزادی زندانیان سیاسی- عقیدتی شکل گرفته و در زیر لوای شعار دیر آشنای "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" هر چه پرطنین تر می گردد.

در همین حال، رژیم اسلامی حاکم در ادامه سیاستهای سرکوب گرانه خود، به اعدام هر چه بیشتر مبارزان و زندانیان سیاسی و عقیدتی رو آورده است. ما شرکت کنندگان در کنگره سیزدهم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، انزجار خود را از اعدامهای فله ای اخیر و بویژه اعدام زندانیان سیاسی سنی اعلام نموده و همبستگی خود را با خانواده های بازماندگان اعلام می داریم.

دوستان دربند!

ما، به احترام پایمردی و ایستادگی شما زندانیان سیاسی، بپا می خیزیم و یکصدا فریاد برمی داریم که "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و با فشردن دستان شما، دگر باره پیمان خود را مبنی بر آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی تجدید و ابراز نموده و پای می فشاریم.

درودهای گرم ما بر شما ایستادگان باد!

کنگره سیزدهم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

اوت 2016 - مرداد ماه 1395

## کارگران و زحمتکشان

کنگره سیزدهم سازمان با اعلام یک دقیقه سکوت به یاد جان باختگان راه آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم، کار خود را آغاز کرد. کنگره ما در شرایطی برگزارگردید که پس از عقب نشینی حکومت در مقابل آمریکا و اروپا بر سر پرونده اتمی ایران و پذیرش برجام و دوره «پسا تحریم»، نه تنها از عقب نشینی رژیم در برابر مردم و به ویژه کارگران زحمتکشان نشانه‌ای نمی‌توان یافت، در مقابل اما تعرض و تهاجم همه جانبه و سیستماتیک جمهوری اسلامی، سرمایه داران و دولت حافظ منافع آنان علیه طبقه کارگر در تمامی عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بگونه‌ای دم افزون تشدید و گسترش یافته است. به عبارت دیگر تداوم و اجرای همه جانبه و گسترده سیاست‌های نئولیبرالی، افزایش بی سابقه نابرابری‌ها، تشدید استثمار، افزودن بر شدت و زمان کار، بی حقوقی مطلق طبقه کارگر، وخیم‌تر شدن وضعیت اقتصادی و معیشت خانوارهای کارگری، فقر و تهیدستی و گرسنگی را در میان کارگران و حتی در میان آنان که کار می‌کنند، فزونی داده است. برخی منابع میزان بیکاری را بالغ بر ۱۰ میلیون نفر می‌دانند. در حالی که بر اساس گزارش رسانه های رژیم "هزینه‌های زندگی یک خانواده چهارنفره" بالغ بر ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان گزارش شده، دستمزد های کارگری سقوط کرده و یا منجمد شده است. همزمان با تشدید گرانی، قدرت خرید کارگران و زحمتکشان بشدت کاهش یافته است. علیرغم چنین شرایطی معوق گذاستن حقوق کارانجام شده کارگران از سوی کارفرمایان، سرمایه داران و دولت به یک سیاست عمومی تبدیل شده و مطالبه حقوق معوقه یکی از خواست های بخش بزرگی از کارگران ایران است

تعهدات دولت در مورد تامین اجتماعی کارگران بیش از پیش کاهش یافته و یا لغو شده‌اند. برخورداری از بهداشت و درمان کاهش یافته و بیش از ۷۰ درصد هزینه های پزشکی توسط بیمار پرداخته می شود، و این مرگ و میر را در میان کارگران و خانواده های آنها را افزایش داده است. کیفیت و کمیت خدمات بیمه های اجتماعی و درمانی سقوط کرده و دفترچه های بیمه هر چه بیشتر بی اعتبار و تمديد اعتبار آنها مشکل تر، و استانداردهای ایمنی و حفاظت کار به دست فراموشی سپرده شده‌اند. در حالی که بیش از ۸۰ درصد کارگران حداقل حقوق (۸۱۲ هزار تومان) را دریافت می‌کنند. در همین حال مدیران دولتی "حقوق های ۲۴۰ میلیون تومانی" دریافت می کنند.

سرکوب سیستماتیک حقوق و آزادی های دموکراتیک، احضار، بازداشت و حبس، زندان و شلاق و یورش به کارگران و ضرب و شتم و به بند کشیدن آنان به سیاست اصلی جمهوری اسلامی و دولت روحانی تبدیل شده است. بسیاری از فعالین کارگری تحت تعقیب قرار گرفته و از سوی نهادهای امنیتی احضار می شوند. علی نجاتی، ابراهیم مددی، رضا شهابی، داود رضوی، جعفر عظیم زاده، محمود صالحی و... و بسیاری دیگر از فعالان کارگری و سندیکائی مورد تعقیب و بازداشت قرار گرفتند و برای آنان حکم زندان صادر گردید.

علاوه بر این هر سطحی از تلاش کارگران برای برپائی تشکل مستقل کارگران بشدت از سوی رژیم در هم شکسته می‌شود.

زنان نیمی از نیروی کار در جامعه هستند که با سیاست‌های جمهوری اسلامی به طرق مختلف خانه نشین و به پستوی خانه رانده می شوند و از بخش اقتصاد رسمی طرد می گردند. سهم زنان در نیروی کار کمترین میزان است. با توجه به ویژگی بیکاری در کشور و نرخ بالای فارغ التحصیلان دانشگاهی، نرخ بیکاری زنان تحصیل کرده بسیار بالاست.

در چنین شرایطی جمهوری اسلامی، «دولت تدبیر و امید» مجموعه طرح ها و لوایحی را که آشکارا و مستقیماً یورش و تعرض همه جانبه‌ای را علیه کارگران هدف گیری کرده پی گرفته است. از جمله می توان به طرح های ذیل اشاره کرد:

ارائه لایحه "اصلاح" قانون کار پیشنهادی دولت دهم به مجلس .

احیاء طرح "استاد-شاگردی" از سوی وزارت کار دولت روحانی .

تلاش برای تسری و تعمیم معافیت‌های مربوط به کارفرمایان مساجد و بقاع متبرکه به تمامی کارگاه‌های کوچک دارای پنج کارگر و کمتر و به عبارت دیگر خروج کارکنان این نهادها از شمول قانون کار. در حالی که 95 درصد کارگران ایران با قراردادهای موقت، سفید امضا و... در کارگاه‌های کوچک و متوسط مشغول به کار هستند.

لایحه برنامه برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی که عملاً مواد و بندهایی از آن حذف تأمین اجتماعی را هدف گرفته است.

ارائه لایحه ایجاد ۷ منطقه آزاد تجاری، صنعتی و ۱۲ منطقه ویژه اقتصادی به مجلس شورای اسلامی.

در عرصه ای دیگر «دولت تدبیر و امید» طرحی را به منظور «خروج غیرتورمی» از رکود اقتصادی که هم اکنون در کشور جریان دارد تنظیم کرده و در همین رابطه، لایحه‌ای با عنوان «رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور» را به مجلس رژیم ارائه کرد

هدف اصلی از این طرح که عیناً از دستورالعمل‌هایی که «صندوق بین‌المللی پول» و یا «بانک جهانی» در این زمینه صادر کرده‌اند، گرفته شده این بوده که موانع و محدودیتها از سر راه کارفرمایان و سرمایه داران برداشته شود (مثلاً از طریق آزادسازی قیمتها، برداشتن کنترل‌های دولتی، خصوصی سازی، اعطای معافیت‌های مالیاتی، شل کردن مقررات کار و تأمین اجتماعی، تثبیت یا کاهش دستمزدها و ...)، تا سودآوری بنگاه‌ها بالا رفته و نهایتاً رشد و رونق اقتصادی فراهم گردد.

اما مجموعه این سیاست‌ها از یک سو در چارچوب منافع سرمایه داران داخلی، خارجی و امنیت سرمایه و سود و به اصطلاح جذب سرمایه خارجی، خصوصی سازی، مقررات زدائی از مناسبات و روابط و محیط کار را دنبال می‌کند، و از سوی دیگر با تعرض و تهاجم به طبقه کارگر، بار بحران همه جانبه ساختاری سرمایه داری ایران را به دوش کارگران و زحمتکشان می‌گذارد.

در شرایط کنونی مبارزات کارگران در اشکال مختلف و خواست‌ها و مطالبات گوناگون ادامه وبه نحو چشم گیری گسترش یافته است. فهرست اعتصابات و اعتراضات کارگران که در جای جای کشور، بیانگر افزایش تعداد اعتصابات، زمان اعتصابات، تعداد کارگران شرکت کننده، خواست‌ها و مطالبات متنوع در این مبارزات است. در برخی موارد پیکار کارگران توانسته است سرمایه داران و کارفرمایان و حاکمیت رابه عقب نشینی وادارسازند. اما این اعتصابات و اعتراضات به علت پراکندگی، نتایج مطلوب و دلخواه کارگران را در پی نداشته و در بیشتر موارد خواست‌ها و مطالبات کارگران نه فقط با بی‌اعتنایی طبقه سرمایه‌دار روبرو گردیده است بلکه اعتراضات آنان با شلاق و سرنیزه و زندان سرکوب شده است.

فرا تر رفتن از اعتصابات پراکنده، رسیدن به مبارزات متشکل در جنبشی سراسری، متحد و سازمان یافته و آگاهانه، بیش از پیش نیازمند برپائی تشکلهای مستقل کارگری است. افزون بر این برقراری پیوند و ارتباط میان جنبش کارگری با سایر جنبش‌های اجتماعی ضرورتی است انکارناپذیر. این امر، همچنین زمینه‌ای را فراهم می‌آورد که با گسترش مبارزه می‌تواند رژیم و سرمایه‌داران را به عقب نشینی وادارد.

کنگره سیزدهم سازمان ما ضمن همبستگی با مبارزات و پیکار کارگران و زحمتکشان، خود را همگام و همراه با مبارزات جنبش کارگری ایران برای تحقق خواست‌ها، مطالبات و اهداف طبقه کارگری داد.

زنده باد آزادی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد سوسیالیسم

کنگره سیزدهم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

اوت 2016 - مرداد ماه 1395

برای نجات محیط زیست در ایران به پا خیزیم!

در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی و اقتصاد مافیائی، غارت و چپاول منابع طبیعی و تخریب محیط زیست ابعاد بسیار وسیعی بخود گرفته است. مسئله محیط زیست اگرچه به یک مشکل اساسی بین‌المللی تبدیل شده است، اما در جامعه ما تخریب محیط زیست ناشی از بی‌عملی و سیاستهای مخرب رژیم جمهوری اسلامی دامنه بیشتری پیدا کرده است. در حقیقت به علت بی‌توجهی به اصول و معیارهای زیست محیطی، و عدم برنامه‌ریزی در بهبود محیط زیست، معضلات اجتماعی در این خصوص ابعاد بیشتری یافته است. آلودگی شدیداً هشدار دهنده هوا، روند سریع نابودی جنگلها، تخریب پوشش گیاهی و مراتع، نابودی تالابها، روند خشک شدن رودها، خشک شدن دریاچه‌های مختلف، گسترش بیابان‌زایی و طوفان نمک و گرد و غبار، کمبود فزاینده منابع آب آشامیدنی، خشکسالی‌های فزاینده و مهلک، آلودگی‌های خطرناک صنعتی، ویرانی اکوسیستم‌های دریای وحش، آلودگی شدید دریای خزر و نابودی آبزیان و بالاخره عوارض خطرناک ناشی از برنامه هسته‌ای رژیم، گوشه‌هایی از ابعاد فاجعه آمیز بحران زیست محیطی در ایران هستند. این روند زندگی نسلهای کنونی و نسلهای آینده را به طور جدی به مخاطره انداخته است. مرگ و میر ناشی از آلودگی محیط زیست افزایش یافته، بیماری‌های لاعلاج زندگی بسیاری را به مخاطره انداخته و هزاران نفر بخاطر خشکیدن دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و یا نابودی جنگل‌ها کار و منبع درآمدشان را از دست داده اند.

آنچه در این شرایط فاجعه آمیز امیدوار کننده است اعتراضات و مبارزات مردمی است که در مقابله با سیاستهای جمهوری اسلامی به دفاع از محیط زیست برخاسته‌اند. اعتراضات مردمی برای نجات دریاچه ارومیه، تشکیل زنجیرهای انسانی برای نجات کارون و اعتراضات مردمی علیه آلودگی هوا در برخی شهرها، همچنین اعتراضاتی که با خواست پرداخت غرامت به خسارت دیدگان شاهد آن بوده ایم و دهها مورد دیگر، نیروی اصلی مبارزه در مقابل رژیم اسلامی و تخریب محیط زیست بوده است. حفظ محیط زیست و مبارزه با روندهای مخرب و خطرناک کنونی، نیازمند توجه و دخالت و مبارزه گسترده بخشهای هرچه وسیعتری از مردم است.

مسئله بحران محیط زیست در ایران، در نبود چاره اندیشی‌های عاجل و جامع، همچنان روبه شدت دارد. انجمن‌های حمایت از محیط زیست در ایران در شرایط سخت در این راه تلاش میکنند و همزمان با زندان و سرکوب حکومت مواجه هستند. حکومت هیچ نهاد مستقل مدافع محیط زیست را به رسمیت نمی‌شناسد. حفظ محیط زیست نیازمند کار تخصصی و سیاست‌های روشن میباشد ولی سران رژیم نه توان و نه قصد انجام آن را دارند

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران همه نیروها و نهادهای ترقیخواه را فرا میخواند تا برای حفظ محیط سالم و قابل زیست، هماهنگ و همگام مبارزه گسترده‌ای را پیش‌برند. مبارزه متحد و متشکل مردم است که می‌تواند رژیم جمهوری اسلامی را ناگزیر به عقب نشینی کرده و از تخریب بیشتر محیط زندگی جلوگیری کند.

کنگره سیزدهم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

اوت 2016 - مرداد ماه 1395